مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی
شماره ۱۱، بهمن ۱۳۹۰، صفحات ۸۸ - ۷۳

مقایسه بانک تجاری و نهاد قرض‌الحسنه در حوزه تأمین مالی خرد

سجاد ابراهیمی[۱]
مسعود باغستانی‌میبدی[۲]

تأمین مالی خرد توانسته است در چند دهه اخیر در کشورهای درحال توسعه عملکرد خوبی در زمینه کاهش فقر و افزایش تولید داشته باشد. از این رو، تأمین مالی خرد در سطح دنیا در قالب نهادهای مستقل و یا بانکداری متعارف دنیا و بانک‌های تجاری گسترش یافته است. در این مقاله پس از معرفی تأمین مالی خرد در بانک تجاری به چالش‌های آن پرداخته و سپس در قالب نهادهای قرض‌الحسنه به بحث تأمین مالی خرد پرداخته شده است. تأمین مالی خرد در قالب نهاد قرض‌الحسنه می‌تواند برخی چالش‌هایی که در قالب بانک‌های تجاری وجود دارد را برطرف کند و از این رو می‌تواند ساختار مطلوب‌تری برای تأمین مالی خرد باشد.

واژه‌های کلیدی: تأمین مالی خرد، بانک تجاری، بانک قرض‌الحسنه.

۱. مقدمه

فقر یکی از مشکلاتی است که تقریباً تمام کشورهای جهان با آن مواجه هستند. با وجود تمام مشکلات برای رفع آن راه‌حل‌هایی نیز وجود دارد که تأمین مالی خرد یکی از آنهاست. تأمین مالی خرد در مراحل اولیه به صورت یک کمک داوطلبانه به افراد محروم بوده است. تأمین مالی خرد بانکی توسط گرامین بانک[۳] و با هدایت محمد یونس در سال ۱۹۷۰ پایه‌گذاری شده است.

تأمین مالی خرد در مراحل اولیه به صورت یک کمک داوطلبانه به افراد محروم بوده است. امروزه تأمین مالی خرد راه حلی برای ریشه‌کن کردن فقر محسوب می‌شود. تأسیس مؤسسات گوناگون، سازمان‌های مردم نهاد (NGOs)[۴]، بانک‌ها و نهادهای مختلف برای این امر نشان‌دهنده موفقیت این طرح می‌باشد. در هرحال،

۱. دانشجوی دکترای اقتصاد دانشگاه تهران. ebrahimi_s@ut.ac.ir
۲. دانشجوی دکترای اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. kelk450@yahoo.com

3. Grameen Bank
4. Non Governmental Organization

تأمین‌مالی خرد می‌بایست به یک صنعت سازماندهی شده، شفاف و قانونمند تبدیل شود. افرادی که به مدت طولانی در تأمین مالی خرد مشارکت کرده‌اند از جنبه‌های تجاری آن ابراز ناخشنودی می‌کنند.

تجربه موفق تأمین مالی خرد در قالب نهادهای مستقل در دنیا قابل‌توجه بوده است، اما برای گسترش و توسعه تأمین مالی خرد بحث ورود تأمین مالی خرد در قالب بانکداری متداول و مرسوم مانند بانک‌های تجاری در دنیا مطرح شده است. ورود تأمین مالی خرد به بانک‌های تجاری با برخی چالش‌ها و مشکلاتی روبرو است. در این مقاله بدنبال این هستیم که برخی از این چالش‌ها را مطرح کنیم. در مقابل، درکشور پتانسیل صندوق‌های قرض‌الحسنه وجود دارد که می‌تواند محملی برای تأمین مالی خرد درکشور باشد.

در ادامه ابتدا تأمین‌مالی خرد و مشخصات آن را توضیح داده و سپس به تأمین مالی خرد در قالب بانک‌های تجاری پرداخته و چالش‌های آن را مطرح می‌کنیم. در بخش بعدی نیز به معرفی قرض‌الحسنه و بررسی آن در قالب تأمین مالی خرد می‌پردازیم و در نهایت نیز نتیجه‌گیری می‌کنیم.

۲. مشخصات تأمین مالی خرد

مقصود از تأمین مالی خرد، ارائه خدمات تأمین مالی وام‌های خرد و پس‌انداز به افراد فقیر فعال از لحاظ اقتصادی توسط نهادهای مالی خرد رسمی می‌باشد. نهادهای مالی ارائه‌کننده این خدمات مالی معمولاً در نزدیکی منازل و محل‌های کسب و کار متقاضیان قرار دارند و خدمات آنها در سطح محلی آن دسته از افرادی که در روستاها زندگی می‌کنند یا آن دسته از افراد کم درآمدی که در حاشیه شهرها سکونت گزیده‌اند را دربر می‌گیرد (طغیانی، ۱۳۸۷).

بومن در کتاب خود تعریفی ارائه نموده که شاید در عین اختصار گویاترین تعریف برای تأمین مالی خرد باشد. این تعریف عبارت است از کوچک، کوتاه و بدون وثیقه. به عبارت دیگر، تأمین مالی خرد به معنای ارائه وام‌هایی با مبلغ‌های کم و بدون دریافت وثیقه به قشرهای کم درآمد است و این قشر در مدت کوتاهی مبالغ یادشده را بازپرداخت می‌کنند. البته در برنامه‌های تأمین مالی خرد افزون بر عرضه و توزیع وام‌های کوچک، پذیرش پس‌اندازها و سپرده‌های کوچک نیز وجود دارد.

از حیث جایگاه، مؤسسات تأمین مالی خرد در دنیا بین بازار مالی رسمی نظیر بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری رسمی و بازار مالی غیررسمی قرار گرفته و برخی ویژگی‌های هر یک از این دو بازار را در خود دارند. ویژگی‌های نهادهای تأمین مالی خرد و کارکرد آن در دنیا عبارت است از:

– دسترسی بیشتری به خدمات مالی نسبت به دیگر مؤسسات مالی رسمی ایجاد می‌کنند و از این جهت شبیه وام‌دهندگان غیررسمی هستند.

– هزینه کمتری نسبت به بازار غیررسمی داشته و بنابراین نرخ بهره کمتری طلب می‌نمایند که اگرچه بیشتر از نرخ بازار مالی رسمی است، اما بسیار کمتر از بازار مالی غیررسمی می‌باشد.

– در زمینه اخذ وثیقه نیز سازوکاری مخصوص به خود دارند.

– معمولاً منابع تأمین مالی به کارآفرینی و تولید تخصیص می‌یابد.

– نزدیکی و ارتباط مستمر و دائمی با وام‌گیرنده از جمله خصوصیات این نهادهاست که اولاً: آنها را در شناسایی مستحقین وام یاری می‌نماید. ثانیاً: در ارزیابی میزان اعتبار شخص وام‌گیرنده و توانایی وی در بازپرداخت وام کمک می‌کند و در نهایت پس از اعطاء وام چگونگی استفاده از آن را روشن می‌سازد. به عبارت دیگر، احتمال بروز مشکلاتی از قبیل کژگزینی و کژمنشی کاهش می‌یابد.

در زمینه اخذ وثیقه مؤسسات تأمین مالی خرد از سازوکار فشار گروهی و فرایند تشکیل گروه جهت تضمین بازپرداخت وام‌ها استفاده می‌کنند. به این صورت که افرادی که طالب دریافت وام هستند می‌بایست خود را در قالب یک گروه با تعداد معین متشکل نمایند. اعضاء این گروه که به لحاظ اقتصادی و اجتماعی و فکری با هم مشابه می‌باشند بصورت زنجیره‌ای ضمانت یکدیگر را می‌کنند و اگر یکی از اعضاء گروه از بازپرداخت وام خودداری کند تمام اعضاء مسئول هستند و دریافت وام آنها نیز معلق می‌گردد. به این صورت تضمین گروهی، جایگزین وثیقه – چیزی که معمولاً فقرا فاقد آن هستند و به همین دلیل نیز از دسترسی به منابع اعتباری محروم گشته‌اند– شده است. نوآوری مؤسسات تأمین مالی خرد در بحث وثیقه‌سپاری دارایی، دسترسی به وام بیشتر در آینده است. بنابراین وام گیرندگان به بازپرداخت وام و خوش‌حسابی تشویق خواهند شد، زیرا به حفظ امکان دسترسی به وام در آینده تمایل دارند.

سازوکار حاکم بر روش‌های تأمین مالی خرد از جمله تشکیل گروه تضمین می‌نماید که وام‌های تخصیص‌یافته به هدف موردنظر اصابت کند؛ ضمن اینکه این مسئولیت مشترک به چند دلیل سبب کاهش ریسک عدم بازپرداخت می‌گردد:

– سبب می‌شود که گروه، اعضاء بدحساب را در میان خود نپذیرند و این با توجه به شناخت ویژگی‌های افراد که بدون تحمل هزینه برای ساکنان روستا ممکن است، هزینه انتخاب وام‌گیرندگان بالقوه را حذف می‌کند.

– این شیوه انگیزه‌ای میان اعضاء ایجاد می‌کند تا مراقب باشند که عضو وام‌گیرنده وام را به مصارف تعیین شده برساند؛ چرا که باید بتواند آن را بازپرداخت کند و در نتیجه سبب حذف هزینه نظارت بر وام می‌شود.

– باعث می‌شود اعضاء افرادی که وام خود را نپرداخته‌اند تحت فشار قرار داده و حتی پرداخت بدهی‌های آنها را بر عهده گیرند که این موضوع نیز سبب حذف هزینه عدم بازپرداخت وام می‌گردد.

استفاده مناسب از وام‌ها یکی دیگر از دلایل موفقیت این نهادهاست، به‌گونه‌ای که پس از اعطاء وام نظارت بر فعالیت وام‌گیرنده آغاز می‌شود تا اطمینان حاصل گردد که وام برای اهداف تولیدی بکار گرفته شده و در نهایت از محل منافع آن وام‌گیرنده قادر خواهد بود آن را بازپرداخت نماید.

۳. ساختار تأمین مالی خرد در بانک تجاری

بانک‌های تجاری قادر به ایفای نقش اساسی در تأمین مالی خرد به دلایل زیر می‌باشند:

– آنها قانونمند و نظارت‌شده هستند. به علاوه، منابع سرمایه‌ای به دست آمده از این طریق در یک نهادی از نهادهای تأمین مالی خرد قرار می‌گیرد. این یک شاخص بسیار مهم است که مؤسسه مالی، جریان وجوه تخصیص‌یافته به تأمین مالی خرد را تضمین کند. یکی از مشکلاتی که درخصوص مؤسسات تأمین مالی خرد وجود دارد، ضعف یا عدم وجود کنترل سیستمی در این مؤسسات است.

– بانک‌های تجاری به نحو بهتری تأمین مالی خرد را انجام می‌دهند که این موضوع به ساختار مالکیت آنها برمی‌گردد. از این جنبه تحت یک مالکیت خصوصی، مالک به دنبال افزایش سود خود می‌باشد. بنابراین، به طور سیستماتیک به دنبال موفقیت در پروژه خود است. این نکته می‌تواند چالشی برای مدافعان تأمین مالی خرد از این منظر باشد.

– دلیل اینکه بانک‌ها بهتر می‌توانند خدمات تأمین مالی خرد را ارائه دهند این است که بانک می‌تواند طیف وسیعی از خدمات را به فقرا ارائه دهد و این چیزی است که امروزه در اهداف نهادهای تأمین مالی خرد می‌توان مشاهده نمود.

دلیل دیگر به حجم سرمایه‌ای که آنها قادر به کسب‌کردن آن هستند بر می‌گردد . بانک‌های تجاری دارای شبکه گسترده‌ای برای دریافت وجوه می‌باشند و قادرند تعداد و حجم وام‌های مورد درخواست را افزایش دهند. به علاوه، آنها از طریق شعب خود می‌توانند امکان دسترسی آسان به خدمات را برای مشتریان به گونه کاراتری فراهم کنند و همچنین نظارت دقیق‌تر بر وام‌ها و پروژه‌ها داشته باشند.

مهم‌ترین مزیت تأمین مالی خرد برای بانک این است که بانک می‌تواند با افزایش تعداد مشتریان خود در سراسر جهان سود خود را افزایش دهد. به عنوان مثال، بانک BRI[1] به عنوان یک بانک تجاری است که خدمات تأمین مالی خرد را انجام می‌دهد. این بانک با جمع‌آوری پس‌اندازهای بزرگ از طریق مشتریان

1. BankRaykat Indonesia

مؤسسات تأمین مالی خرد رشد قابل‌ملاحظه‌ای را تجربه کرد و از محل این منابع قادر به کمک‌کردن به تسهیلات تجاری خود در دوران بحران ۱۹۹۸ مالزی بود.

از دیگر مزایای درنهایت فعالیت بانک‌های تجاری در تأمین مالی خرد، بهبود و تقویت تصویر ذهنی مردم از بانک می‌باشد. کمک به رفع فقر در جامعه فضای قابل اعتمادتری را برای بانک در سطح بخش مالی رسمی به دنبال خواهد داشت. بانک‌های تجاری به روش‌های مختلفی می‌توانند در تأمین مالی خرد مشارکت که نمایند این روش‌ها عبارتند از:

● قرض‌دادن مستقیم

بانک‌ها می‌توانند به صورت مستقیم به کارآفرینان خرد وجوهی را قرض دهند. این نوع تأمین مالی خرد در بانک‌هایی که منحصراً به تأمین مالی خرد می‌پردازند مشاهده می‌شود. یک بانک متخصص در این رشته بانک Greeman و با هدایت محمد یونس در سال ۱۹۷۶ بوده است که تنها هدف آن کمک به بهبود ارائه وام‌های کوچک به گروهی از متقاضیان بود. گروه قرض‌دهنده در این سیستم درحال قرض‌دادن به هر شخص درگروه بودند، اما اگر هر یک از قرض‌گیرندگان در وام خود با موفقیت روبرو نمی‌شدند و این وام قابل تجدید برای افراد دیگرگروه نبود. در نهایت، تحت‌فشار اجتماعی روش گروه قرض‌دهندگان به افراد انگیزه داد تا دارای یک نظم مالی باشند و وام‌های خود را بازپرداخت نمایند. مثال دیگر از این بانک‌ها، گروه Pro Credit group می‌باشد که وام‌های کوچک و متوسط را به کارآفرینان در ۱۹ بانک توسعه محور در اروپا، آفریقا و آمریکای‌لاتین ارائه می‌دهد.

● کمک هزینه تأمین مالی خرد

بانک‌ها ممکن است عملیات تأمین مالی خرد خود را با ایجاد یک کمک هزینه جدید از وام‌های مصرفی تفکیک نمایند. این دسته‌بندی می‌تواند سطح ریسک را در قرض‌دادن به فقرا کاهش دهد. علاوه بر این، از منظر قرض‌گیرنده تفکیک خدمات تأمین‌مالی خرد از تأمین مالی مصرف‌کننده می‌تواند برای آنها قابل اعتمادتر باشد، چراکه نشان می‌دهد تنها هدف بانک از ارائه تأمین مالی خرد رفع فقر از جامعه است. انواع حمایت‌ها در حوزه منابع انسانی، امور قانونی، حسابرسی و بازاریابی نیز در قالب این روش ارئه می‌شود.

● مشارکت با مؤسسات تأمین مالی خرد

بانک می‌تواند با یک مؤسسه تأمین مالی خرد مشارکت نماید. به این صورت که به مؤسسه تأمین مالی خرد وام‌کلان اعطاء نماید و مؤسسه تأمین مالی خرد این سرمایه را برای اعطاء وام به فقرا بکار گیرد. در این حالت بانک با ارائه مبلغ وام، ارزیابی قیمت و سطح ریسک وام را نیز می‌پذیرد.

از سوی دیگر، مؤسسه تأمین مالی خرد، اصل وام، کنترل و تخصیص آن را متعهد می‌شود. در این میان، مزایای بسیاری برای مؤسسات تأمین مالی خرد در مشارکت با بانک‌ها وجود دارد. با مقدار بیشتر سرمایه، اندازه وام‌ها افزایش می‌یابد، علاوه بر آن تعداد بیشتر شعب بانک‌ها به توسعه جغرافیایی مؤسسات کمک می‌نماید.

علاوه بر این، پرسنل بانک‌ها می‌توانند در جهت بهبود کارایی عملیاتی مؤسسات تأمین مالی خرد و آگاه ساختن آنها برای هماهنگ‌شدن با استانداردهای بین‌المللی مشاوره دهند. از نمونه این بانک‌ها، بانک ICICI در هند می‌باشد. این بانک به طور همزمان با ۷۲ نهاد تأمین مالی خرد در کشور همکاری می‌نماید و درصدد افزایش تعداد همکاری‌ها به ۲۰۰ می‌باشد. این نوع همکاری‌ها می‌تواند هم برای بانک و هم برای مؤسسات تأمین مالی خرد بسیار سودآور و کارا باشد (یوگرزینپ، ۲۰۰۶).

● صندوق تأمین مالی خرد (فروش اوراق)

بانک‌های تجاری می‌توانند صندوق‌هایی را در داخل بانک و یا در بازار سرمایه بین‌المللی برای قرض‌دادن به مؤسسات تأمین مالی خرد ایجاد کنند. این صندوق‌ها می‌توانند اوراق قرضه نیز منتشر و عرضه‌کنند. به عنوان نمونه، Mibanco یک بانک خصوصی است که در سال ۱۹۹۲ در پرو تأسیس گردیده و به دنبال افزایش منابع صندوق خود از طریق انتشار و عرضه اوراق می‌باشد. درحال حاضر بانک‌های تجاری بزرگ همچون Citigroup، Deutsche Bank و Rabo Bank دارای صندوق‌های تأمین‌مالی خردی هستند که برای مؤسسات تأمین مالی خرد سرمایه لازم را فراهم می‌آورند.

همچنین بانک آلمانی DB MDF در قالب صندوق توسعه تأمین مالی خرد در تأمین مالی خرد مشارکت می‌نماید. استراتژی این بانک، تبیین و تشویق ارتباط بین مؤسسات مالی تجاری محلی و مؤسسات تأمین مالی خرد می‌باشد. این صندوق‌ها وام‌هایی را با هزینه‌های بسیار پایین (بین یک تا سه درصد در سال) با دوره بازگشت یک تا پنج ساله به مؤسسات تأمین مالی خرد ارائه می‌دهند.

۳-۱. موانع تأمین مالی خرد در بانک تجاری

الف) بعد فرهنگی

اگرچه تأمین مالی خرد به عنوان یک راه‌حل عملی برای از بین بردن فقر در جهان به شمار می‌رود، اما مانعی برای توسعه صنعت می‌باشد. از لحاظ فنی ارائه‌دهندگان تأمین مالی خرد نیاز به غلبه بر بی‌اعتمادی خود نسبت به فقرا و به دام‌افتادن در چرخه فقر دارند. تأمین مالی خرد نیاز به توضیح برای مشتریان جدید و تبلیغات برای مشاغل خرد دارد. به علاوه، مؤسسات بین‌المللی که در تأمین مالی خرد مشارکت می‌نمایند می‌بایست نسبت به فرهنگ بومی که تأمین مالی در آنجا صورت می‌گیرد دقت داشته و به جمعیت فقیر آن

منطقه اعتماد پیدا کنند. بنابراین، همان طورکه ذکر شد مشکلات فرهنگی به عنوان مانعی بر سر راه تأمین مالی خرد از لحاظ عدم اطمینان به جمعیت فقیر خطر درگیری در دام فقر و .... می‌باشد.

ب) موانع بوروکراتیک و اقتصادکلان

از دید عرضه‌کننده وجوه، نااطمینانی اقتصادی و سیاسی به ویژه درکشورهای درحال توسعه و تغییر سریع شرایط محلی سبب ایجاد ریسک می‌شود. به همین دلیل، نسبت به ارائه سرمایه بی‌میلی نشان‌داده و اینطور استنباط می‌کنند که مؤسسات تأمین‌مالی خرد از عهده تأمین مالی وام‌های خود برنخواهند آمد. مشکل دیگر به تعیین سقف نرخ بهره توسط دولت بر می‌گردد. مؤسسات تأمین مالی خرد بین تمایل به دستیابی به خود کفایی مالی از طریق دریافت نرخ‌های بهره بالاتر به منظور ارائه خدمات بهتر و محدودیت‌های تحمیل‌شده بر توسعه ظرفیت خود از طریق نرخ‌های بهره پایین تحت فشار قرار دارند. مانع دیگر تأمین مالی خرد به مسائل قضایی بر می‌گردد که در آن قرض‌دهنده سرمایه با مشکلات اجرای قرارداد تحت سیستم حقوقی به ویژه درکشورهای درحال توسعه مواجه می‌گردد. برای مؤسسات تجاری کمبود اطلاعات در مورد فقرا از بیشترین درجه اهمیت برخوردار می‌باشد. بانک نمی‌تواند بر سوابق رسمی شهروندان از قبیل سابقه اعتباری تکیه کند و بنابراین با ریسک بیشتری مواجه است. در حقیقت این مشکل نشان می‌دهد که در برخی مواقع بانک‌های تجاری به منظور ارزیابی اعتبار مشتریان به تجربیات کسب شده مؤسسات تأمین مالی خرد از طریق روابط اجتماعی و روانشناسی نیاز دارند.

ج) فقدان سازمان‌های رتبه‌بندی اعتباری

رتبه‌بندی اعتباری در تأمین‌مالی خرد کمبودی است که کل صنعت از آن رنج می‌برد. این نکته برای مؤسسات تأمین مالی خرد بسیار حائز اهمیت است که با مؤسسات حسابرسی و رتبه‌بندی بزرگ کارکنند. به عبارت دیگر امنیت بهتر صندوق برای ایجاد اعتماد در بین عرضه‌کنندگان سرمایه و توانایی دسترسی به سایر بازارها بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

۳-۲. چالش‌های ورود بانک‌های تجاری در حوزه تأمین مالی خرد

اشکالاتی نیز برای حضور بانک‌های تجاری در تأمین مالی خرد وجود دارد. نکته نخستی‌که به ذهن می‌رسد تعهداتی است که پشت این خدمات مالی وجود دارد. بانک‌های تجاری علاوه بر موارد فوق به سابقه مشتریان تأمین مالی خرد خود به روشی متفاوت از روش‌های بازارهای مالی رسمی نیاز دارند. از این منظر، بانک اغلب بر تجربه کارمندان از فرهنگ و سنت‌های محلی تکیه دارد. در نتیجه، ارائه تأمین مالی

خرد از طریق بانک‌های تجاری نیازمند وجود مؤسساتی است که کارمندان را برای شناخت مشتریان آموزش دهند.

یکی ازمهم‌ترین موانع تجاری‌سازی تأمین مالی خرد، یارانه‌هایی است که به صورت مستمر از سوی اهداکنندگان به مؤسسات داده می‌شود. این قبیل کمک‌ها در ابتدای کار برای تشکیل مؤسسات تأمین مالی خرد و سرمایه اولیه آنها مورد نیاز است. به علاوه، این قبیل کمک‌ها می‌تواند برای پروژه‌های تحقیقاتی توسط مؤسسات تأمین مالی خرد مورد استفاده قرار گیرد. با این حال این کمک‌ها نه تنها به مؤسسات برای رسیدن به خودکفایی و دستیابی به سطحی از کارایی کمک نمی‌کند بلکه استمرار این کمک ها تعامل مالی مورد انتظار با مکانیزم بازار صنعت را مختل می‌نماید.

مقررات‌گذاری و نظارت بر مؤسسات تأمین مالی خرد یکی از مشکلاتی است که کشورهایی با آن مواجهند که در کنترل و نظارت بر مؤسسات مالی رسمی خود نیز ناتوان هستند. ریشه اصلی این مشکل، عدم شناخت ناظران و عدم شناخت تفاوت بین سیستم مالی سنتی و تأمین مالی خرد می‌باشد. در صنعت تأمین مالی خرد، سرمایه پایین، چشم‌پوشی از نرخ ربا، هزینه عملیاتی بالا و سنجش ریسک‌های متفاوت دارایی‌ها برای وام های پر ریسک از ویژگی‌های این صنعت می‌باشد.

مؤسسات تأمین مالی خرد دارای ظرفیت پایین مدیریتی می‌باشند و اغلب توسط سازمان‌های مردم نهاد با آورده سرمایه‌ای اداره می‌شوند. در پاره‌ای مواقع، برخی از آنها براساس نیاز مشتریان به مؤسسات مالی تبدیل می‌شوند. به هر حال، مؤسسات تأمین مالی خرد ظرفیت و تجربه کافی برای تبدیل شدن به بخشی از سیستم مالی تجاری را ندارند، بنابراین نیازمند ظرفیت مدیریتی در بسیاری از زمینه‌ها از جمله مدیریت ریسک، مدیریت اطلاعات، بازاریابی و مشتری‌مداری و توسعه منابع انسانی هستند.

تأمین مالی خرد در روستاها سختی‌های بیشتری نسبت به شهرها دارد. از این منظر، بانک‌های تجاری می‌بایست با شناخت از مسائل مربوط به کشاورزی محلی از قبیل سیکل محصولات، درآمدها و هزینه‌ها با توجه به نوسان‌های فصلی و... به تأمین مالی خرد بپردازند. مطالعات نشان داده است که اگر این شاخص‌ها به دقت مورد توجه قرار گیرد، بانک‌های روستایی نیز می‌توانند به مؤسساتی خودکفا و سودآور تبدیل شوند (دیوگر زینپ، ۲۰۰۶).

٤. تأمین مالی خرد در نهاد قرض‌الحسنه

اصلی‌ترین هدف اقتصاد از منظر اسلام، توجه به بخش توزیع عادلانه درآمد و کاهش فقر در جامعه است. از آنجایی‌که بانکداری اسلامی نیز جزئی از اقتصاد اسلامی می‌باشد توجه به مقوله توزیع عادلانه درآمد نیز مدنظر قرار می‌گیرد.

بانکداری اسلامی از اجزای مختلفی تشکیل شده است که بعضاً مورد توجه قرار نگرفته و یا اجرایی نشده‌اند، اما بحث عقودی که اسلام آنها را مجاز شمرده همواره یکی از اجزای اصلی بانکداری اسلامی است. یکی از عقودی که قرابت زیادی با بحث تأمین مالی خرد دارد و شاید برخی آن را مترادف با تأمین مالی خرد می‌دانند عقد قرض‌الحسنه است و برای بررسی تأمین مالی خرد در چارچوب اسلام شاید مهم‌ترین عقدی که می‌بایست به آن توجه کرد همین عقد قرض‌الحسنه است.

قرض در لغت به معنای قطع کردن است و زمانی گفته می‌شود فردی به دیگری قرض داده که مالش را از خود جدا کرده و به او داده باشد(ابن‌منظور، ۱۴۰۵). در اصطلاح فقهی و حقوقی قرض "تملیک مال به دیگری، به شرطی که قرض‌گیرنده ادای خود آن مال یا مثل آن و یا قیمت آن را ضامن شود و تعهد کند." در عقد قرض شرط بسیاری جایز نیست (موسوی خمینی)، بنابراین بدون ربا بودن شرط اساسی جواز قرارداد قرض است.

قرض‌الحسنه نوع خاصی از قرض است. اگرچه قرض‌الحسنه از جهت فقهی و حقوقی تحت عقد قرض مطرح می‌شود و همان احکام را دارد، تحقق آن شرایط خاصی دارد که آن را از دیگر موارد قرض جدا می‌کند. این شرایط عبارتند از نیازمند بودن وام گیرنده و انگیزه‌های معنوی و آخرتی قرض‌دهنده (هادوی‌نیا، ۱۳۷۸).

فرهنگ غنی اسلام با برانگیختن انگیزه‌های معنوی درصدد تنظیم رفتار مادی افراد جهت رفع نیازهای اقتصادی است. قرض‌الحسنه در مقام پاداش از صدقه پیشی می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که امام‌صادق در این خصوص می‌فرماید: برای من محبوب‌تر است که مالی را قرض دهم تا آن را صدقه بدهم (حرعاملی).

جالب اینکه این ترغیب یک طرفه نیست و شارع مقدس همان‌طور که جامعه را به قرض‌دادن تشویق کرده، قرض‌گیرنده را نیز تشویق می‌کند که آن را به موقع برگرداند. تصحیح، تکمیل و توسعه قرض‌الحسنه در جامعه اسلامی به معنای گام برداشتن در جهت تحقق یکی از مهم‌ترین اهداف نظام اقتصاد اسلامی یعنی رفع نیازهای مادی افراد جامعه و ریشه‌کن کردن فقر از جامعه اسلامی است (عرب‌مازار و کی‌تباری،۱۳۸۵).

مواد (۳) و (۱۴) قانون بانکداری بدون ربا مصوب سال ۱۳۶۲ تجهیز و تخصیص منابع بانک‌ها از طریق قرض‌الحسنه معرفی کرده و مجاز دانسته است، اما اجرای آن در نظام بانکی با برخی چالش‌ها روبرو است.

٤-١. وضعیت عقد قرض‌الحسنه در نظام بانکی بدون‌ربا

طبق قانون بانکداری بدون ربا یکی از عقودی که بانک‌ها می‌توانند براساس آن منابع خود را تجهیز کرده و آنها را تخصیص دهند، عقد قرض‌الحسنه است. اهمیت عقد قرض‌الحسنه از چند منظر می‌تواند مورد توجه قرار گیرد:

– از لحاظ شرعی و دینی امری مقدس ارزشمند و پسندیده است.

– باعث کاهش فقر و آثار سوء این پدیده در جامعه می‌شود.

– روشی کارآمد مبتنی بر دین می‌باشد.

– ساز و کاری مناسب برای استفاده از وجوه متدینین در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی است.

– از مصادیق بانکداری خرد که موضوع روز نهادهای پولی و مالی بین‌المللی است، می‌باشد.

از آنجایی که عقد قرض‌الحسنه در نظام بانکی و بانک‌ها در کنار سایر عقود مورد استفاده قرار می‌گیرد، منابع و مصارف این عقد با سایر عقدها یکسان است درحالی که ویژگی‌های این عقد از منظر شرعی و ماهوی با سایر عقود از لحاظ منابع و مصارف متفاوت است. ویژگی‌های منابع و مصارف عقد قرض‌الحسنه عبارت است از:

– تسهیلات و سپرده‌های قرض‌الحسنه معمولاً در مقایسه با سایر عقود حجم کوچکی دارند.

–علیرغم کوچک‌بودن حجم سپرده‌ها و تسهیلات قرض‌الحسنه، افراد زیادی در جامعه سپرده‌گذار قرض‌الحسنه هستند یا متقاضی تسهیلات قرض‌الحسنه هستند و در مجموع ذینفعان بسیاری در جامعه دارد.

– امکان اخذ زیاده و سود از این عقد وجود ندارد و عموماً هدف از این عقد کسب سود نیست.

– این منابع ارزان قیمت هستند.

– این منابع برای رفع مشکلات اجتماعی جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرند.

ویژگی‌های منابع و مصارف سایر عقود عبارت است از :

– منابع و مصارف این عقود در مقایسه با قرض‌الحسنه بزرگ می‌باشد.

– مشتریان و سپرده‌گذاران آنها عمدتاً بنگاه‌داران و فعالان اقتصادی هستند.

– استفاده‌کنندگان از این تسهیلات فعالان اقتصادی و با هدف کسب سود بیشتر می‌باشد.

برای استفاده از اعطاء تسهیلات قرض‌الحسنه در کشور هم اکنون ایرادات و اشکالات زیر در حوزه قرض‌الحسنه نظام بانکی وجود دارد که عبارتند از:

– از تمام ظرفیت عقد قرض‌الحسنه در نظام اقتصادی- اجتماعی کشور استفاده نمی‌شود.

– تمام منابع حاصل از سپرده قرض‌الحسنه برای اعطاء تسهیلات قرض‌الحسنه بکار گرفته نمی‌شود.

– اختلاط وجوه ناشی از عقد قرض‌الحسنه با سایر منابع موجب نگرانی می‌باشد.

–یکی از دلایل گسترش بی‌رویه و خارج از نظارت مؤسسات و صندوق‌های قرض‌الحسنه به دلیل فقدان بانک‌های قرض‌الحسنه کارامد می‌باشد.

– رقابت بانک‌ها برای جذب منابع ارزان‌قیمت قرض باعث رواج قرعه‌کشی‌های پرهزینه شده است.

– یکسان انگاری قرارداد قرض در سپرده‌های جاری با قرض‌الحسنه در سپرده‌های پس‌انداز موجب مشکلات فراوان شده است.

– عدم ارائه ابزارهای مالی اقتصادی مبتنی بر عقد قرض از جمله قرض سکه و قرض با حفظ ارزش پول باعث عدم پویایی این عقد شده است.

– فقدان ساز و کار مجزا و مناسب و قرارگرفتن منابع قرض‌الحسنه در کنار سایر منابع باعث نگرانی‌های زیر شده است:

- به دلیل تعدد مشتریان این عقد و کوچک بودن ارقام آنها امکان تکریم مشتریان توسط بانک‌های بزرگ سلب شود.
- به دلیل کوچک بودن ارقام و تعدد مشتریان امکان خدمات‌رسانی مناسب به فعالان اقتصادی از بانک سلب شود.
- عقد قرض به امور اجتماعی توجه دارد درحالی‌که سایر عقود مبنایی صرفاً اقتصادی دارند. انجام توامان آنها توسط یک بانک یا یک باجه بانکی باعث سردرگمی و مشکلات برای بانک و مشتری می‌شود.
- عقد قرض ماهیتی غیرانتفاعی دارد، اما سایر عقود انتفاعی می‌باشند. انجام توامان دو فعالیت با دو ماهیت متفاوت نیز سختی‌ها و ایرادات خاص خود را به دنبال دارد (پورمحمدی، ۱۳۸۷).

٤-۲. صندوق‌های قرض‌الحسنه

صندوق‌های قرض‌الحسنه براساس طبقه‌بندی بین‌المللی رشته فعالیت‌های اقتصادی سازمان ملل‌متحد (ISIC) در گروه سایر واسطه‌گری مالی (کد ISIC.۶۵۹۲) قرار گرفته و مؤسساتی هستند که بین قرض‌دهندگان و قرض‌کنندگان وجوه مالی رابطه پولی ایجاد می‌کنند. از سوی دیگر، صندوق‌های قرض‌الحسنه واحدهای مالی غیربانکی هستند که بدون مشارکت و دخالت دولت و با مشارکت مردم و مؤسسات خصوصی تشکیل شده و با تکنولوژی و رفتار مدیریتی متفاوت با سیستم بانکی به جمع‌آوری سپرده‌های مردم و مؤسسات و پرداخت وام ضروری و کوتاه‌مدت و با کارمزد و بهره‌کم به آنها اقدام می‌کنند. در سال‌های

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل تشویق مشارکت‌های مردمی و نیز به دلیل نارسایی‌های سیستم بانکی کشور برای پاسخگویی به نیازهای مالی مردم خارج از روال بوروکراتیک و با کارمزد و بهره‌کم از توسعه کمی و کیفی بسیاربرخوردار شده است.

صندوق قرض‌الحسنه به جهت نیت خیرخواهانه مؤسسین و ماهیت عقد قرض‌الحسنه در زمره مؤسسات خیریه قلمداد شده است و می‌تواند معادل مؤسسات تأمین مالی خرد در دنیا در نظر گرفته شود. این مؤسسات از آنجایی که تنها براساس عقد قرض‌الحسنه فعالیت می‌کند می‌تواند بسیاری از چالش‌های عقد قرض‌الحسنه در نظام بانکی که در بالا به آن اشاره شده است را برطرف کند.

این مؤسسات که برخی رسمی و برخی دیگر غیررسمی هستند از حیث تنوع طیف گسترده‌ای را در برمی‌گیرند که شامل صندوق‌های خانوادگی، شغلی و صنفی، محلی و منطقه‌ای می‌باشند. با توجه به تجهیز منابع این مؤسسات مشخص می‌گردد که از ابتدا در مکان‌هایی که فعالیت‌های مالی و تجاری (بازارها) رونق داشته بوجود آمده و سپس به شکل‌های مختلفی شروع به رشد نمودند. برخی از این صندوق‌ها حالت تعاونی داشته و اعضاء به یکدیگر کمک می‌نمایند و بعضی دیگر به عنوان یک مؤسسه غیرانتفاعی عام عمل می‌کنند.

٤-۳. وضعیت صندوق‌های قرض‌الحسنه در ایران

نخستین صندوق قرض‌الحسنه در سال ۱۳۴۸ در یکی از مساجد جنوب تهران با نام صندوق ذخیره جاوید با سرمایه اولیه ۱۴۰هزار ریال تشکیل شد. ابتدا این صندوق وام‌های بلاعوض می‌داد و پس از مدتی به پرداخت قرض‌الحسنه مبادرت ورزید. پس از آن، صندوق‌های متعددی تأسیس شد تا در سال ۱۳۵۸ تعداد صندوق‌ها به بیش از ۲۰۰ صندوق افزایش یافت. پس از پیروزی انقلاب صندوق‌های قرض‌الحسنه گسترش یافت. تعداد صندوق‌های قرض‌الحسنه در سال ۱۳۵۹ به ۸۰۰ صندوق افزایش یافت. طی سال‌های (۱۳۶۵-۱۳۶۲)، تعداد صندوق‌های قرض‌الحسنه به ترتیب یک هزار و ۴۰۰، یک هزار و ۶۵۰، دو هزار و دوهزار و ۲۵۰ صندوق بود. طبق گزارش نیروی‌انتظامی تعداد صندوق‌های قرض‌الحسنه در سال ۱۳۷۹ از ۶ هزار صندوق تجاوز کرد.

همچنین براساس آمار منتشرشده توسط مرکز آمار ایران در سال ۱۳۷۹ از یک هزار و ۲۲۹ صندوق قرض‌الحسنه فعال در سطح کشور، ارزش سپرده‌های آنها ۲هزار و ۱۱۰میلیارد ریال و وام اعطایی آنها معادل یک هزار و ۵۷۳ میلیارد ریال برآورد شده است.

مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در سال ۱۳۷۹ به بخش غیردولتی حسب بخش‌های مختلف اقتصاد ۱۴۲هزار و ۹۰۹/۹ میلیارد ریال بوده است. تعداد این صندوق‌ها در سال ۱۳۸۱ براساس

گزارشات مرکز آمار ایران حدود ۴ هزارو ۵۰۰ صندوق بود درحالی‌که در سال ۱۳۸۸ تعداد این صندوق‌ها به ۶۰۰۰ صندوق می‌رسد.

٤-٤. صندوق‌های قرض‌الحسنه و تأمین مالی خرد

صندوق‌های قرض‌الحسنه را می‌توان به نوعی معادل نهاد تأمین‌مالی خرد در دنیا درنظر گرفت. از جمله شباهت‌هایی که می‌توان بین صندوق‌های قرض‌الحسنه با نهادهای تأمین مالی خرد بیان کرد عبارت است از:

- پرداخت وام بدون درنظرگرفتن بهره بازاری به صورت کوتاه‌مدت
- پرداخت وام به قصد کمک به نیازمندان در جهت رفع نیازهای ضروری آنها
- جمع‌آوری منابع از طریق تشویق به عمل صالح
- سهولت در پرداخت وام و اخذ وثیقه
- وسعت و دامنه عملیاتی کوچک
- توان مالی نه چندان زیاد و پرداخت وام‌های با مبلغ کم
- عدم پرداخت سود یا بهره به سپرده‌گذار

اگرچه مشابهت‌هایی بین صندوق قرض‌الحسنه با نهادهای تأمین مالی وجود دارد، اما تفاوت‌هایی نیز از لحاظ عملکردی بین این دو نوع نهاد وجود دارد که عبارت است از:

– منابع نهادهای تأمین مالی خرد بر تولید و کارآفرینی تمرکز دارد، درحالی که تسهیلات ارائه شده توسط صندوق‌های قرض‌الحسنه عمدتاً جنبه مصرفی دارد.

– بحث نظارت و پیگیری بر نحوه استفاده از تسهیلات قرض‌الحسنه است که متفاوت از ساختار نهادهای تأمین مالی خرد است. به عبارت دیگر، اگرچه نزدیکی و ارتباط با وام‌گیرنده باعث شناسایی وی می‌گردد، اما استفاده از سازوکار تشکیل گروه و ضمانت زنجیری جهت تضمین وام در این صندوق‌ها جایگاهی ندارد و همین امر باعث از بین رفتن بخشی از منابع آنان در اثر نکول وام‌گیرندگان شده است.

– نهاد تأمین‌مالی خرد در دنیا بطور قریب به اتفاق نهاد رسمی فعالیت می‌کنند درحالی که صندوق‌های قرض‌الحسنه در ایران هم به‌صورت رسمی و هم به‌صورت غیررسمی فعالیت می‌کنند.

با وجود این تفاوت‌ها و شباهت‌های نهاد تأمین‌مالی خرد و نهاد قرض‌الحسنه و مقایسه آن با چالش‌های تأمین مالی خرد در بانک‌های تجاری می‌توان به این نتیجه رسید که نهاد قرض‌الحسنه بسیاری از چالش‌های مطروح شده را برطرف می‌سازد.

٤-٥. ساختار مطلوب

با نگاه به وضع موجود صندوق‌های قرض‌الحسنه می‌توان صندوق‌های قرض‌الحسنه را به دو دسته تقسیم کرد. گروه نخست، صندوق‌های قرض‌الحسنه کوچک با اعضاء شناخته شده هستند مانند صندوق‌های قرض‌الحسنه فامیلی، صندوق‌های موجود در مساجد و ادارات و .... در این صندوق‌ها معمولاً افراد نیکوکاری وجود دارند که وجوه مازاد بر نیاز خود را در یکجا جمع کرده و به صورت قرض‌الحسنه در اختیار نیازمندان قرار می‌دهند و غالباً فعالیتی روشن و روان دارند. در این صندوق‌ها تخلفات در حداقل ممکن است. بهترین ساختار برای این صندوق‌ها همین وضعیت موجود است و هر نوع اقدامی در مورد آنها جز ایجاد هزینه‌های زاید و سردرگمی حاصلی ندارد (موسویان، ۱۳۸۲).

گروه دوم، صندوق‌های قرض‌الحسنه‌ای هستند که اقدام به افتتاح حساب سپرده برای مشتریان کرده، دفترچه پس‌انداز در اختیار آنان قرار می‌دهند و محدودیت خاص خانوادگی، صنفی و محلی در جذب سپرده‌گذار ندارند و به طور معمول به تناسب توانایی مالی خود دارای شعبات متعدد در یک شهر یا شهرهای مختلف هستند. این صندوق‌ها اگر صرفاً قصد انجام قرض‌الحسنه را دارند و به دنبال تبدیل‌شدن به مؤسسه مالی انتفاعی نیستند می‌توانند در قالب یک بانک قرض‌الحسنه فعالیت کنند.

بانک‌های قرض‌الحسنه می‌بایست تجهیز و تخصیص منابع خود را در قالب قرض‌الحسنه انجام دهند، به طوری که می‌توانند با سپرده پس‌انداز قرض‌الحسنه و سپرده جاری قرض‌الحسنه تجهیز منابع کنند و با وام‌های قرض‌الحسنه نیز تجهیز منابع کنند. هزینه‌های بانک نیز می‌تواند از محل کارمزد تأمین شوند.

در این ساختار با توجه به شباهت ساختاری صندوق‌های قرض‌الحسنه با نهادهای تأمین‌مالی خرد برخی از شعب بانک‌های قرض‌الحسنه عمدتاً در روستاها می‌توانند صرفاً مانند نهادهای تأمین‌مالی خرد عمل کرده و ساختار نظارتی و نحوه تخصیص منابع قرض‌الحسنه را مانند نهادهای تأمین مالی خرد داشته باشند.

۵. نتیجه‌گیری

در این مقاله ضمن معرفی تأمین مالی خرد در چارچوب بانک‌های تجاری و نهاد قرض‌الحسنه تلاش شد تا مقایسه‌ای بین تأمین‌مالی خرد در این دو قالب انجام شود. علیرغم اینکه نهادهای مستقل در حوزه تأمین مالی خرد در دنیا به‌خوبی عمل کرده‌اند می‌توانند الگویی برای اجرای این طرح در سایر ساختارهای بانکی باشند. تأمین مالی خرد در بانک‌های تجاری با برخی چالش‌ها مواجه است، اما از آنجایی‌که ساختار و اهداف بانک یا صندوق‌های قرض‌الحسنه تا حدود زیادی با ساختار و اهداف نهادهای تأمین مالی خرد یکسان است در کشور ما شاید بهترین روش برای اجرای تأمین مالی خرد توجه به صندوق‌های قرض‌الحسنه و گسترش و توسعه آن در قالب بانک‌های قرض‌الحسنه باشد.

منابع

پورمحمدی (۱۳۸۷)، "اهمیت و ویژگی‌های قرض‌الحسنه"، *روزنامه دنیای‌اقتصاد*، شماره ۱۶۳۲، ۱۳مهر.

حسن‌زاده، علی و مهین‌دخت کاظمی (۱۳۸۳)، "صندوق‌های قرض‌الحسنه، ارزیابی کارکرد در بازار پول و اعتبار کشور"، *فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی*، شماره ۱۶، زمستان.

حرعاملی، بی‌تا، جلد ۱۳،ص۶۸.

عرب مازار، عباس و سعید کی‌قبادی (۱۳۸۵)، "جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران"، *مجله اقتصاد اسلامی*، شماره ۲۲.

طغیانی، مهدی (۱۳۸۷)، *تأمین مالی خرد در ایران و راه‌های توسعه آن با رویکردی اسلامی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق(ع).

موسویان، سیدعباس (۱۳۸۱)، "طراحی سپرده‌های جدید در بانکداری بدون ربا"، *فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی*، شماره ۷، پاییز.

موسویان، سیدعباس (۱۳۸۳)، "طرحی برای ساماندهی صندوق های قرض‌الحسنه"، *فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی*، شماره ۱۶، زمستان.

میسمی، حسین، عبدالهی، محسن و مهدی قائمی‌اصل (۱۳۸۹) "گزارش‌های پژوهشی پژوهشکده پولی بانکی"، wpp-89-01.

هادوی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۸۰) "اوراق قرض‌الحسنه"، *فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی*، شماره ۴، زمستان.

Armendáriz de Aghion, Beatriz & Jonathan Morduch (2005), *The Economics of Microfinance*, Cambridge, MA: MIT Press.

Bouman, F.J.A. (1997),"Small, Short and Unsecured", Informal Rural Finance in India,

Fruman, C. & M. Goldberg (1997), "Microfinance Practice Guide: For World Bank Staff", World Bank, Sustainable Banking with the Poor and Consultative Group to Assist the Poorest, Washington, D.C.

Habib, A. (2002), "Financing Microenterprises: An Analytical Study of Islamic Microfinance Institutions", *Islamic Economic Studies*, Vol. No.2, PP. 27– 62.

Harper, Malcom & Arora Sukhwinder Singh (2005), *Small Customers, Big Markets: Commercial Banks in Microfinance*, Warwickshire, UK: ITDG Publishing.

Khan, M. Fahim (1997), "Social Dimensions of Islamic Banks in Theory and Practice", Islamic Research and Training Institute, Islamic Development Bank.

Oxford University.

Schmidt, Reinhard H. (2010), "Microfinance, Commercialization and Ethics", *Poverty & Public Policy*, Vol. 2, Iss. 1, Article 6.

Sengupta, Rajdeep & Craig P. Aubuchon (2008), "The Microfinance Revolution: An Overview", *Federal Reserve Bank of St. Louis Review*, Vol.90, No.1, PP. 9-30.

Ugur Zeynep (2006)," Commercial Banks and Microfinance", College of Arts and Sciences, University of Pennsylvania, Senior Honors Thesis.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی